

بررسی تحلیلی جایگاه آموزه مهدویت در اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

امیر محسن عرفان *

چکیده

این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد مبانی نظری و ابعاد آموزه مهدویت را از نظرگاه اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شناسایی کند. بررسی انگاره‌های نبوی در تبیین آموزه مهدویت، آغازگاهی است که نویسنده برای ارائه تصویری روشن از بحث بر می‌گزیند. در این جهت به تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت در چارچوب نظام امامت و ولایت، تبیین این اندیشه در قالب ستیزش تاریخی جبهه حق و باطل و تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت در قالب سامانه اجتماعی امام و امت اشاره می‌شود.

در ادامه نیز به شاخصه‌ها و ویژگی‌های آموزه مهدویت از دیدگاه اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اشاره می‌شود. جهان‌شمولی اندیشه مهدویت؛ عدالت، مهم‌ترین رکن اندیشه مهدویت؛ تعین و تشخص منجی و حتمی بودن تحقق حکومت مهدوی؛ از جمله یافته‌های نگارنده در این زمینه است. در پایان نیز «محاسبه مبتنی بر تکلیف محوری»؛ «رویکرد فرصت‌محور در تبیین اندیشه مهدویت»؛ «تأکید بر نقاط مهم و راهبردی در تبیین آموزه مهدویت» و «نمادپردازی در تبیین امامت و مهدویت»، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های بیان و بلاغ اندیشه مهدویت در سیره نبوی معرفی می‌شوند.

به هر رو، مطلوب این جستار، آن است که معلوم سازد جوهر اصلی آموزه مهدویت از نظرگاه اندیشه نبوی چیست. ثمره این بررسی، در وهله نخست آشکار کردن میزان اصالت این اندیشه در اسلام و در مرحله بعدی، می‌تواند به تعیین مبنایی برای بررسی هر چه بهتر این اندیشه در اسلام بینجامد.

واژگان کلیدی: منجی، موعود، مهدی، مهدویت، اندیشه نبوی، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

موعودباوری یا اندیشه منجی موعود، آموزه‌ای است که می‌شود گفت در تمام ادیان وجود دارد؛ هر چند گستردگی و نوع این موعودباوری در ادیان مختلف متفاوت است. «مهدویت» نیز عنوان شناخته شده‌ای برای موعودباوری در اسلام است. در اسلام از موعود نجات‌بخش با عنوان «مهدی» یاد می‌شود و در این خصوص میان فرقه‌های شیعه و سنی تفاوتی وجود ندارد. این آموزه در تاریخ و متون روایی و کلامی تمام فرق اسلامی، چه اهل سنت و چه فرق شیعی، بازتاب گسترده‌ای داشته است.

نیک می‌دانیم رسول خدا ﷺ با طرح و تبیین آموزه مهدویت، سال‌ها قبل از تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه به تقویت این باور پرداخت و بن‌مایه‌های فکری این اندیشه را بتدریج بنیان نهاد. اهتمام گسترده پیامبر اکرم ﷺ در پررنگ نمودن خطوط فکری مسلمانان بیش‌ترین نقش را ایفا نمود.

مهم‌ترین منبع در ویژگی‌شناسی منجی در اسلام، روایات صادر شده از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام است. به عبارتی، اگر نبود احادیث مختلفی که در این باره آمده است، اکنون آگاهی صحیح و کاملی از مهدویت وجود نداشت و این مجموعه گران‌بهای حدیث است که چنین هدفی را تأمین می‌کند. با این حال، بنیان‌های فکری و نیز اصول تبلیغی رسول خدا ﷺ در تبیین و تفسیر این اندیشه بدرستی واکاوی نشده است.

در این نوشتار، فرض بر این بوده است که آموزه مهدویت از دیدگاه پیامبر ﷺ دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی است و ایشان با محاسبه مبتنی بر تکلیف محوری و با رویکردی فرصت‌محور به تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت پرداختند. از این‌رو برای راستی‌آزمایی این فرضیه تلاش می‌شود که نشان داده شود:

۱. به طور مشخص آموزه مهدویت از نظرگاه پیامبر ﷺ بر چه مبانی‌ای استوار است؟
۲. شاخصه‌ها و ویژگی‌های آموزه مهدویت در اندیشه نبوی چیست؟
۳. اصول حاکم بر بیان و بلاغ این آموزه در اندیشه نبوی چیست؟

انگاره‌های نبوی در تبیین و تفسیر اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت

آموزه‌های نبوی درباره مهدویت که در جامه روایات متعددی بر صفحه تاریخ ضبط شده، جوامع روایی را پر برگ و بار کرده است. برخی از نویسندگان، این روایات را بدون عنوان خاص در کتاب‌های خود نقل کرده^۱ و بعضی دیگر، آن‌ها را در «باب» خاصی گرد آورده‌اند.^۲ برخی نیز، در این زمینه تألیف خاصی از خود به جا نهاده‌اند.^۳ در بیش‌تر این کتاب‌ها روایات مهدوی بدون رویکرد تحلیلی ارائه شده است. با بازکاوی روایات نبوی با برخی از مهم‌ترین انگاره‌های نبوی در این زمینه مواجه می‌شویم که عبارتند از:

۱. تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت در چارچوب نظام امامت و ولایت

در چشم‌انداز اندیشه نبوی، پس از رسول خاتم^ص و خاتمه^ع زنجیره حجت‌های الهی در ساختار «نظام امامت» نمود یافت که خدای متعال با ارزانی داشتن آن، نعمت خویش را بر امت اسلامی به اتمام رساند. محور پر اهمیتی که روایات پیامبر اکرم^ص عهده‌دار بیان آن هستند، بیان امامت مهدی موعود^ع است و صریح‌ترین راه شناخت مصداق امام، ذکر نام وی توسط پیامبر یا امام قبلی است. در روایات بسیاری از پیامبر^ص بر امامت و خلافت مهدی موعود^ع در کنار یازده امام دیگر اشاره شده است. این روایات به روایات «اثنی عشر» شهرت یافته‌اند. پیامبر اکرم^ص در بیش‌تر روایاتی که از شماره امامان سخن گفته است، نام امام اول و آخر را هم برده است:

امامان پس از من دوازده نفر هستند که اولین آن‌ها علی^ع و آخرین آن‌ها قائم^ع است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۵۹).

۱. نظیر احمد بن حنبل در مسند خود که احادیث او در این زمینه را سید محمد جواد حسینی جلالی گردآوری و به طور مستقل با نام «احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل» به چاپ رسانده است.
۲. برای آشنایی با نام تعدادی از این نویسندگان ر.ک: عبدالعلیم البستوی، «المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه»: ۱۱۹ - ۱۲۵.
۳. برای آشنایی با نام تعدادی از این نوشته‌ها ر.ک: همان: ۱۲۶ - ۱۳۸.

در روایتی دیگر، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ای علی عَلِيٍّ! آن زمان که یازده نفر از فرزندان تو و من به امامت رسیدند؛ یازدهمین ایشان مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است (نعمانی، ۱۴۲۲: ۹۲). در برخی از روایات، در گزارش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از شب معراج بر امامت دوازده شخص به همراه نام تصریح شده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۷۲).

تمایز مهم‌تر و اصلی موعودباوری در اندیشه نبوی با دیگر ادیان و فرق در جوهر مهدویت است. در اندیشه نبوی، مهدویت در ذات و جوهر خود به ظهور و تحقق حقیقت در زمین، در سایه ظهور خلیفه و حجت‌الاهی می‌انجامد، و اگر هم از برپایی عدالت، رفاه و امنیت اجتماعی سخن می‌گوید، همه را از نتایج و لوازم ظهور و تحقق حق در زمین می‌داند.

در دیدگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از مقام «امامت» برخوردار است. شاید در هیچ کدام از اندیشه‌های موعودی ادیان و مکتب‌های مختلف دیگر جهان، موردی را نتوان یافت که موعودش الزاماً «امام» باشد. باید برای درک این مقام و ویژگی‌های آن، در مدلول آیات و روایات ناظر به آن‌ها درنگ کرد. از جمله این مقامات و ویژگی‌ها «نصب» امام است؛ یعنی مقام امامت تنها با جعل و نصب خدای متعال ممکن است. (علامه حلی رَحِمَهُ اللهُ، ۱۴۱۷: ۴۹۵) «عصمت»^۱ و «علم»^۲ است. از جمله ویژگی‌های امامت، «برتری مقام امامت از نبوت» است که این برتری به دلیل عظمت و رتبه والای مقام امامت است که با الهام از تعالیم قرآن کریم و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام به دست می‌آید.^۳ این معارف از مفاد آیه «إِنَّمَا بُخِيبُوا بِأَثْبَاتِ

۱. بدین معنا که واجب است امام از جمیع گناهان کبیره و صغیره و خطا و نسیان معصوم باشد. ر.ک: علامه حلی، کشف‌المراد: ۴۹۲.

۲. امام باید به تمام آنچه مردم در امور دین و دنیای خود نیاز دارند، عالم باشد. همان: ۴۹۵.

۳. شیخ مفید در بابی با عنوان «القول فی المفاضله بین الائمه و الانبیاء» می‌نویسد: «برخی از امامیه بر برتری ائمه از آل محمد بر دیگر انبیا و پیامبران پیشین جز پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، باور دارند». ر.ک: مفید، اوائل المقالات: ۷.

۴. «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». بقره: ۱۲۴.

خواهد بود. شیعیان، امام مهدی عجل الله فرجه را از اهل بیت علیهم السلام می‌دانند، و براین اساس، جایگاه، اوصاف و حقوق اهل بیت علیهم السلام چون «حق مودت»^۱، «حقوق مالی»^۲، «حق وراثت کتاب»^۳، «حق مرجعیت علمی»^۴، «حق ولایت»^۵ را که برگرفته از قرآن کریم و روایات است؛ برای امام مهدی عجل الله فرجه قائلند.

وجه اهمیت پیوند تفکیک‌ناپذیر مهدویت و امامت در این است که مهدی عجل الله فرجه، «حجت»^۶ است و در عموم موارد، حجت، به معنای برهان، دلیل و نشانه است. در این صورت، تأکید تفکر نبوی صلى الله عليه وآله وسلم بر امام بودن مهدی موعود عجل الله فرجه تأکیدی است آشکار بر اهمیت و ذات موضوع ظهور حق در عصر موعود. بنابر روایات شیعه، حجت خدای متعال کسی است که در عین مخلوق بودن، احوال و اوصافش کاملاً الهی است؛ چنان که کلینی رحمته الله در اولین روایت «کتاب الحجبه» از «کافی» در وجه نیاز به حجت آورده است:

امامان با وجود شباهت با مردم در خلقت، در هیچ یک از احوال با مردم شبیه نیستند. امامان به وسیله حکمت از سوی خدای متعال تأیید شده‌اند. پس، چنین چیزی در هر زمانی در پرتو دلایل و برهان‌هایی که رسولان آورده‌اند، برقرار است تا زمین خدا خالی نباشد از حجتی که دارای علمی است که سخشنش را تصدیق و عدالتش را قطعی می‌کند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۶۸).

۱. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». شوری: ۲۳.
۲. «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى...». انفال: ۴۱.
۳. «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...». فاطر: ۳۲.
۴. «فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». انبیا: ۷.
۵. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...». نساء: ۵۹.
۶. احادیث فراوانی بر این نکته تأکید دارند که زمین از حجت خالی نخواهد ماند. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که زمین از حجت خدای متعال خالی نمی‌گردد؛ این حجت یا ظاهر و معلوم است یا خائف و پنهان. شیخ طوسی، الغیبه: ۸۷.
- در احادیث دیگری بر این نکته تأکید شده است که اگر در زمین تنها دو نفر باقی مانده باشند، یکی از آن دو حجت خواهد بود. همان: ۹۰.
- این دو دسته حدیث گویا تأکید زیاد بر این دارند که زمین، هرگز از امام خالی نخواهد بود و اگر امام آشکار و ظاهر نباشد، دلیل فقدان وی نیست؛ بلکه دلیل غیبت او خواهد بود.

نباید از نظر دور داشت که مهدی موعود عجل الله فرجه نزد بیش تر اهل سنت، فقط خلیفه، حاکم و مسلمان عادل است از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بعدها به گونه‌ای طبیعی متولد خواهد شد و عدل را در سراسر جهان خواهد گستراند.^۱ البته باورهایی نظیر نماز خواندن عیسی مسیح به امامت مهدی عجل الله فرجه نیز به سبب کثرت روایات، مورد پذیرش و باور اهل سنت است (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۲۹۲). در این جا می‌سزد اشاره کنیم که اقتدای عیسی مسیح عجل الله فرجه به عنوان پیامبر اولوالعزم به مهدی موعود عجل الله فرجه در صورتی صحیح است که ما مهدی موعود عجل الله فرجه را دارای مقام امامت بدانیم؛ اما بر اساس آنچه اهل سنت معتقدند و مهدی عجل الله فرجه را خلیفه آخرالزمان می‌دانند، این اقتدا صحیح نمی‌باشد. به نظر می‌رسد همین امر سبب شده فخر رازی، اقتدای عیسی عجل الله فرجه به مهدی عجل الله فرجه را فقط در یک نماز بداند. از دیدگاه وی، در بقیه نمازها، مهدی عجل الله فرجه به عیسی عجل الله فرجه اقتدا می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۶۴۰). ابن حجر در این زمینه نکته لطیفی دارد. وی می‌نویسد:

نماز گزاردن حضرت عیسی عجل الله فرجه پشت سر مردی از این امت که در آخرالزمان و نزدیک برپایی قیامت ظهور، بر صحت این دیدگاه دلالت دارد که زمین از کسی که به حجت و دلیل، دین خدا را برپا می‌دارد؛ تهی نمی‌ماند. (ابن حجر، بی تا، ج ۶: ۴۹۴)

برآیند آنچه گذشت این که مهدی عجل الله فرجه از نگاه اهل سنت انسانی عادی است که دارای مقام خلافت است؛ بدون ویژگی‌های فوق طبیعی، نظیر علم غیب و عصمت و از دیدگاه شیعیان، مهدی عجل الله فرجه دارای مقام امامت و ویژگی‌های منحصر به فرد این مقام است.

یک نکته اساسی در خور یادکرد، این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با ارائه آموزه مهدویت در قالب امامت در صدد بودند این اندیشه را با امتیازات ویژه امامت به جامعه مسلمین معرفی کنند. رتبه

۱. از آن جا که «امامت» از منظر اهل سنت، همان گونه که عبدالرحمن ایچی در مواقف اذعان دارد؛ از مسائل فرعی بر شمرده می‌شود؛ جایگاهی در علم کلام ندارد و در نتیجه مهدویت نیز جایگاهی در مباحث کلامی اهل سنت پیدا نمی‌کند. به همین دلیل در کتاب‌های کلامی آنان، برخلاف منابع روایی، بحث‌های مفصل و مستقل در موضوع مهدویت، یافت نمی‌شود. ر.ک: ایچی، مواقف، ج ۸: ۳۴۴.

امامت حضرت مهدی عجل الله فرجه موجب می‌شود تا حدیث «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ فَمَيِّتُهُ مَيِّتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۷۶ و ابن حنبل، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۹۱) و احادیث شبیه به آن، که در مصادر فریقین نقل شده است. واقع بینانه‌تر معنا شوند.

۲. تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت در قالب ستیزش تاریخی جبهه حق و باطل

اسلام، مسیر حرکت تاریخ را درستیزه‌جویی‌های حق و باطل و غلبه حق را فرجام این ستیزش تاریخی می‌داند. بر مبنای مکتب اسلام، موضع‌گیری ارادی انسان در برابر دو جریان ولایت حق و باطل قرار دارد. اراده‌های انسانی هنگامی که یک جامعه را تشکیل می‌دهند، یا در جهت حق پیش می‌روند و یا جهت‌گیری باطل دارند. از این رو، دو قطب و نظام تاریخی حق و باطل، یکی بر محور اولیای الهی و پیامبران و دیگری بر محور فراعین و طواغیت و مستکبرین تاریخ شکل می‌گیرد.

از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی عجل الله فرجه آخرین حلقه از مجموعه حلقه‌های مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است.

از آیات قرآن، استفاده می‌شود که ظهور مهدی عجل الله فرجه حلقه‌ای است از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که به آن‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد مهدی عجل الله فرجه مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده و مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۴).

در منابع امامیه و اهل سنت نیز، روایات زیادی بر این مبنا از پیامبر اکرم ص نقل شده است که حضرت مهدی عجل الله فرجه در موقعیتی ظهور خواهد کرد که فساد و بی‌عدالتی جوامع را فراگرفته باشد: عن رسول الله ص «لا تقوم الساعة حتى تمتلئ الارض ظلماً و عدواناً، قال: ثم يخرج رجل من عترتي، أو من أهل بيتي، يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً». (ر.ک: مسند أحمد، ج ۳: ۳۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۲: ۲۷۴، ج ۹۸۷ و عقد الدرر: ۳۶). بر این اساس، اشارت‌ها و نویدهای مکتب آسمانی اسلام، رکن و شالوده اساسی

حرکت و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را ظلم ستیزی و اجرای عدالت راستین و زیست سعادت‌مندان به بشر و برافراشتن کلمه توحید می‌داند.

در این روایات، به ریشه‌کنی نمودها و نشانه‌های شر و ناراستی‌ها از اجتماع از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اشاره شده است؛ زیرا روزگار پیش از ظهور، دوران گسترش ناهنجاری‌های اخلاقی و غرق شدن انسان در فساد است و این ناشی از گسترش فعالیت جبهه باطل و نفوذ آنان در میان انسان‌هاست.

جهت دیگری که باید بدان توجه کرد، این که با توجه به روایات نبوی، نقطه پایانی تضاد و درگیری حق و باطل، غلبه و پیروزی ایمان و حق و نابودی کفر و باطل است؛ و فرجام نزاع حق و باطل، تشکیل جامعه آرمانی، تأسیس حکومت جهانی عدل، نابودی ستمکاران و مفسدان با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و پیروزی نهایی و غلبه کامل او رقم می‌خورد؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این زمینه فرمود:

مردم در میان رکن و مقام با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بیعت می‌کنند و خداوند متعال به واسطه او، دین را به جایگاه خودش بر می‌گرداند و پیروزی‌هایی برای او به وجود می‌آورد تا بدان جا که هیچ کس بر زمین نماند، جز آن که بگوید: لا اله الا الله (مقدسی شافعی، ۱۴۱۶: ۴۰).

به نظر می‌رسد در اندیشه نبوی، غیبت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نیز، در این جهت فهم‌پذیر است. به عبارتی، غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای فراهم آمدن شرایط شناخت، پذیرش حقیقت و امکان ظهور حق در زمین است. تجربه تاریخی غیبت، این شرایط معرفتی و انفسی را فراهم خواهد آورد که اهل حق، حق را از باطل بشناسند و از دل و جان تسلیم آن شوند و اگر در روایات نبوی، بر خوف امام از کشته شدن اشاره شده است (صدوق، ۱۴۲۶، ج ۱: ۲۴۳)؛ در حقیقت خوف از ظهور ناتمام حق و کشته شدن در شرایطی است که هنوز صف‌ها از هم جدا نشده است.

در هر رو، با توجه به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، به دست می‌آید که نقطه پایانی تضاد و درگیری حق و باطل، غلبه و پیروزی ایمان و حق و نابودی کفر و باطل است.

۳. تبیین و تفسیر اندیشه مهدویت در قالب سامانه اجتماعی امام و امت

نظام امامت، محور و سامانه امت است که با نادیده انگاشتن آن، هویت جامعه اسلامی از هم خواهد پاشید. از این رو، مادام که امت برجای است، به امام نیازمند خواهد بود. امت، نخست موظف است امام زمان خود را بشناسد و در گام بعد، از او پیروی کند. در غیر این صورت، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (علی بن بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۲۱۹ و مسلم بن حجاج، ۱۴۰۱۶، ج ۶: ۲۲).

تبیین جایگاه امامت در امت اسلامی، به معنای احترام به حق پیش‌آهنگی کسی است که پیش‌آهنگ مردم در سیر صعودی خلق به سوی خدای متعال است و نیز به معنای استفاده از ظرفیت وجودی او است، برای تضمین سلامت و صحت این سیر. اصل «امامت» تدبیر هوشمندانه‌ای است برای جلوگیری از پیدایش و پیروزی حرکت‌های ارتجاعی در جامعه مسلمانان. معرفی پیشروترین فرد امت به نام امام، آن قدر اهمیت داشت که خدای متعال در خطاب به پیامبرش، عدم ابلاغ این پیام را به منزله عدم ابلاغ رسالتش تلقی می‌کند.

برای این که امت از شر و خطر «بودن» و «ماندن» به جای «شدن» و «رفتن» و نیز خطر «خوشی» به جای «خوبی» در امان باشد؛ به عامل حیاتی و حتمی و نیرومندی نیاز دارد که نگذارد امت، به بیماری، ماندن به جای رفتن و رفاه به جای کمال، گرفتار شود و به اضمحلال برود. این عامل، امامت و رهبری است که عامل حیات و حرکت امت است.

بر پایه ادله قطعی، حلقه نخستین زنجیره امامان امت اسلامی، «ابوالائم»^۱، امیرالمؤمنین علیه السلام و حلقه پایانی آن، «خاتم الائمه»، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نخستین وصی را «سید الاوصیاء» و واپسین امام را «ظاهر و باطن ائمه» نامید (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۳).

عباراتی نظیر «مهدی هذه الأمة»، «لأبد لهذه الأمة منه»، «بیعت لهذه الأمة»، «یکون فی أمّتی المهدی» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۳۲۸ و اربلی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۲۵۷)؛ در روایات نبوی، گویای این مهم هستند که موعود اسلامی به لحاظ کارکرد، نجات‌بخشی جمعی است؛ یعنی نجات‌بخشی موعود اسلامی در سطحی گسترده عمومی، با حرکتی جمعی به همراه تحول و

تحرک جمعی صورت می‌گیرد (موحدیان عطار و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲)؛ بر خلاف موعودهایی که نجات‌بخشی آنان صرفاً به طور فردی صورت می‌گیرد و ایجاد هیچ تحول یا تحرک جمعی را به آن نسبت نمی‌دهند.^۱

شاخصه‌ها و ویژگی‌های آموزه مهدویت از نظرگاه اندیشه نبوی ﷺ

۱. جهان‌شمولی اندیشه مهدویت

از دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ، منجی موعود، فراگیر و جهان‌شمول است:

«لو لم یبق من الدهر إلا یوم لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاًها عدلاً کما ملئت جوراً». (ر.ک: اربلی، کشف الغمه، ج ۳: ۲۲۷).

تعبیر به کار رفته در روایات نبوی، از قبیل «فراگیری عدل و قسط در زمین»، همگی ظهور در فراگیری وعده نجات موعود دارد، و حتی اگر بر فراگیری و جهان‌شمول بودن این وعده دلالت صریحی نداشته باشد، تحقق کامل آن‌ها فقط در صورتی است که در سراسر زمین محقق گردد؛ نه در ناحیه‌ای خاص از زمین.

تعبیر «یملاً الأرض» حکایت از آن دارد که رسالت او سرتاسر زمین و همه مردم را در بر می‌گیرد، و به منطقه یا قوم و ملت خاصی محدود نمی‌باشد. نکته دیگری که از این روایات استفاده می‌شود این‌که تعابیری چون به دست گرفتن امر امت و برپا داشتن عدل و قسط، نشان دهنده این مهم است که موعود اسلام صرفاً کارکردی معنوی ندارد و کارکرد اجتماعی نیز دارد (علی موحدیان عطار و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۸۰).

افزون بر آن‌چه گذشت، حدیث معروفی از رسول خدا ﷺ در منابع اهل سنت نقل شده است که حضرت فرمودند: «... فیبلغ سلطانه المشرق و المغرب». (ر.ک: فرائد السمطين،

۱. شاید بتوان نجات‌گری مسیح در طول تاریخ و پیش از آن را که به مثابه داوری جهانی از آسمان رجعت می‌کند؛ از این قبیل دانست. ر.ک: علی موحدیان عطار و دیگران، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان: ۲۲.

ج ۲: ۳۱۲؛ که بر فراگیری فرمانروایی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بر شرق و غرب عالم هستی تأکید می‌کند.

در حقیقت، در اندیشه نبوی، نجات بخشی موعود اسلامی انحصاری و قوم مدارانه نبوده، که فراگیر و جهان شمول است. از این رو برخی از گرایش‌های اسلام سنی که نجات موعود را در اصل، شامل حال قوم و ملت و یا منطقه خاصی می‌دانند؛^۱ علاوه بر این که چندان مستند نیست و صرفاً تفسیر و تعبیری خاص از این اندیشه است؛ با اندیشه نبوی در تعارض است.

۲. عدالت، مهم‌ترین رکن اساسی اندیشه مهدویت

در روایات نبوی تأکید فراوانی بر پرسیختن زمین از عدل و داد است. گویی برجسته‌ترین کار موعود اسلامی همین نکته می‌باشد. این حقیقت به طور مکرر در روایات آمده است.

«عدالت»، مهم‌ترین مشخصه حکومت مهدوی و رکن اساسی آن، در اندیشه نبوی به

شمار می‌رود. پیامبر اکرم ص در شرح دادگری حضرت حجت ع می‌فرماید:

«ثُمَّ يَظْهَرُ فِيْمَالِ الْأَرْضِ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛ امام

مهدی ع زمین را از عدل و داد آکنده می‌سازد؛ چنان که از ظلم و ستم مالا مال

شده است (کمال‌الدین، ج ۲: ۳۷۶).

براساس این روایت، حرکت و قیام حضرت مهدی ع در سطحی کلان رخ می‌دهد.

آن چه بیش از همه، در تبیین عدالت محوری قیام مهدی موعود ع در اندیشه پیامبر

۱. به لحاظ دایره شمول، اگرچه بنا به مدلول آیات و روایاتی که نقل شده، نجات مهدی موعود ع جهان شمول است؛ با تصریح‌ها و تبیین‌هایی که اهل حدیث در میان اهل سنت دارند؛ باید گفت اینان نجات موعود را صرفاً امت‌مدار و در محدوده جهان اسلام تلقی می‌کنند. به عبارتی، منجی این گروه، از موعودهای منطقه‌ای بوده و رسالتش جهانی نیست. بنابر تصریح این طیف از اصحاب حدیث، منظور از زمینی که در احادیث آمده و مهدی ع آن را از عدل پر خواهد کرد، همانا محدوده جهان اسلام است. در روزگار کنونی سلفیان و وهابیون چنین عقیده‌ای دارند. به عنوان نمونه محمد احمد اسماعیل در کتاب «المهدی و فقه اشراط الساعة» با مراجعه به چهارصد منبع درصدد تبیین اندیشه مهدویت با رویکردی سلفی است.

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهم می‌نماید، کاربست واژه «یملأ» می‌باشد. بنابر چنین اندیشه‌ای، عدالت در زمان حاکمیت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام عدالت در همه سطوح جامعه و برای تمامی مردم در سرتاسر دنیا اجرا خواهد شد و هیچ نهاد و مجموعه کوچک و بزرگی نمی‌ماند، مگر این که عدالت در آن حاکم و روابط افراد با یکدیگر براساس آن پی‌ریزی خواهد شد.

۳. تعیین و تشخیص منجی

«تعیین و تشخیص منجی» و موعود، یکی از مهم‌ترین نکات در روایات صادر شده از آن حضرت در زمینه اندیشه مهدویت می‌باشد. بدین معنا که منجی موعود را، به صورت انسانی خاص با مشخصات فردی منحصر به فرد می‌یابیم. به عبارتی، این وعده به دست یک شخص محقق می‌شود؛ نه این که وعده‌ای آرمانی باشد. از طرفی، چنان نیست که تحقق این وعده به دست هر کسی انجام گیرد؛ بلکه انجام دهنده این کار، شخصیتی از پیش تعیین شده و متعین است؛ به گونه‌ای که نام پدر و مادر، حسب و نسب وی معلوم است. منجی موعود در اندیشه نبوی، چنان مشخص و متعین است که فقط بر یک شخصیت خاص و معلوم دلالت می‌کند.^۱ از این رو، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به تبارشناسی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و ابهام‌زدایی از نسب امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اهتمام فراوانی داشتند. بدین جهت در گفتار پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، نام موعود،^۲ لقب^۳، کنیه^۴، نسب^۵، قبیله و تبار^۱، شمایل و حتی ویژگی‌های جسمانی^۲ همگی به صراحت

۱. در مقابل «موعود نامتعیین» و «موعود نوعی» موعودی است که فقط صفات و ویژگی‌های او بیان شده است. بدین سان صفت موعود بر هر کسی که آن ویژگی را داشته باشد، قابل اطلاق است. موعود اندیشی زرتشتیان ایرانی معاصر چنین ویژگی را دارد. ر.ک: جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان: ۲۱.

۲. «يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَادِيٍّ، اسْمُهُ كَاسِمِيٌّ،...» مقدسی شافعی، عقد الدرر، باب ۲: ۵۶.

۳. «المَهْدِيُّ يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ». طوسی، الغيبة: ۱۷۸، حدیث ۱۳۵.

۴. «...حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ دُرَيْتِي اسْمُهُ كَاسِمِيٌّ، وَ كُنْيَتُهُ كَكْنَيْتِي...» ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ۹۱: ح ۱۲۵.

۵. «المَهْدِيُّ حَقٌّ، وَ هُوَ مِنْ وَادِيٍّ فَاطِمَةَ». ابن حماد، الفتن، ج ۱: ۳۷۴، حدیث ۱۱۱۲. طوسی، همان، ۱۸۵. «مَنَا مَهْدِيَّ الْأَمَّةِ الَّذِي يُصَلِّي عَيْسَى خَلْفَهُ، ثُمَّ ضَرَبَ عَلَيَّ مَنَكَبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام»

بیان شده است. این‌ها همه، علاوه بر این‌که منجی موعود متعینی را ترسیم می‌کند، نشان‌دهندهٔ اهتمام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دربارهٔ معرفی شخص منجی موعود است.

برخی از احادیث اهل سنت که ساختگی بودن آن‌ها مشهود است، گویای این هستند که مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام از نسل عباس است. از جمله این روایت :

«وَاللَّهِ إِنَّ مَنَا بَعْدَ ذَلِكَ السَّفَاحِ، وَ الْمَنْصُورِ، وَ الْمَهْدِيِّ، يَدْفَعُهَا إِلَى عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ» (ر.ک: ابن حماد: ۱۱۰). به اجمال در پاسخ باید گفت: این گونه روایات افزون بر این که با روایت‌های متواتر مخالف هستند، اعتبار سندی ندارند و رجال اسناد این احادیث، مشکلات زیادی دارند. به همین دلایل مفاد این روایات مورد انکار صریح دانشمندان اهل سنت قرار گرفته است (ر.ک: بستوی، ۱۴۲۰: ۱۲ و ۱۸) به نظر می‌رسد این‌گونه روایات ساختهٔ خلفای بنی‌عباس است.

از مهم‌ترین موارد اختلافی میان شیعه و اهل سنت، «ولادت» مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام است. بیش‌تر اهل سنت به دنیا آمدن آن حضرت را نپذیرفته‌اند. آنان بر این باورند که مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام که در احادیث اسلامی به آن نوید داده شده، هنوز متولد نشده و در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد. البته برخی از علمای اهل سنت^۱ به دنیا آمدن فرزند امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام را

....

فَقَالَ: مِنْ هَذَا مَهْدِيَّ الْأَمَّةِ. «طوسی، همان: ۱۹۱.

۱. «المَهْدِيُّ حَقٌّ؟ قَالَ: حَقٌّ، قَالَ: قُلْتُ: مِمَّنْ هُوَ؟ قَالَ مِنْ قَرِيشٍ، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ قَرِيشٍ؟ قَالَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ بَنِي هَاشِمٍ؟ قَالَ: مِنْ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؟ قَالَ: مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ». ابن حماد، همان، ج ۱: ۳۶۸، حدیث ۱۰۸۲.

۲. « الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ أَرْجَ أَبْلَجَ أَعْيَنَ...» ابن حماد، الفتن، ج ۱: ۳۶۶، حدیث ۱۰۷۲. « الْمَهْدِيُّ مِنْهَا أَهْلَ الْبَيْتِ، أَتَمَّ الْأَنْفِ، أَقْنَى، أَجْلَى،...» ابن حماد، همان، ج ۱: ۳۶۴، حدیث ۱۰۶۳. « يَقُومُ فِيهِ آخِرَ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي شَابٌ حَسَنُ الْوَجْهِ، أَجْلَى الْجَبِينِ، أَقْنَى الْأَنْفِ...». مقدسی شافعی، عقدا الدرر: ۶۵.

۳. به عنوان نمونه عبدالمحسن العباد استاد دانشگاه مدینه در این زمینه می‌نویسد: «احادیث فراوان دربارهٔ مهدی... بدون شک بربیک حقیقت ثابت دلالت دارند و آن این که مضمون این احادیث در آخرالزمان تحقق می‌یابند و این فکر، هیچ ارتباطی با عقیدهٔ شیعه پیرامون مهدی
←

پذیرفته، و یا آن را به شکل گزارش تاریخی نقل کرده‌اند.^۲ مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ابن اثیر جزری (۶۳۰هـ) در «الکامل فی التاریخ»، محمدبن طلحه شافعی (۶۵۲هـ) در «مطالب السؤل»، سبط ابن جوزی (۶۵۴هـ) در «تذکره الخواص»، کنجی شافعی (۶۵۸هـ) در «البيان فی اخبار صاحب الزمان»، ابن خلکان (۶۸۱هـ) در «وفیات الاعیان»، علی بن محمد بن صباغ المالکی (۸۵۵هـ) در «الفصول المهمه»، شمس الدین ذهبی (۷۴۸هـ) در «العبر فی خبر من غبر»، ابن حجر هیتمی (۹۷۴هـ) در «الصواعق المحرقة»، سلیمان بن ابراهیم القندوزی (۱۲۹۴هـ) در «ینابیع الموده» و خیر الدین زرکلی (۱۳۹۶هـ) در کتاب «اعلام» (ر.ک: عبدالمحسن العباد و ابوالاعلی مودودی، ۱۳۸۶: ۸۳ و فقیه ایمانی، ۱۴۱۸: ۹۹-۴۰۰).

یکی از دلایل حقانیت اعتقاد شیعه به غیبت منجی موعود، پیشگویی‌ها و پیش‌بینی‌هایی است که در این مورد، از سوی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صورت گرفته است. از معتبرترین این پیشگویی‌ها، روایاتی است که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ده‌ها سال پیش از غیبت، صادر شده است^۳ که خود، گویای چند امر است: نخست، گستره دانش نبوی؛ حقانیت تاریخی غیبت و تأیید اعتقاد رسمی شیعه امامیه در این باب و زمینه‌سازی برای پذیرش بهتر غیبت از سوی شیعیان.

منتظر که او را محمد بن الحسن می‌نامند، ندارد...». ر.ک: محسن العباد، عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر: ۵۸.

۱. یکی از نویسندگان معاصر از ۶۶ نفر از عالمان اهل سنت یاد کرده است. ر.ک: عسکری، المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه و الشیعه، ج ۱: ۱۸۲. لطف الله صافی گلپایگانی از ۶۸ نفر یاد می‌کند. ر.ک: منتخب الاثر، ج ۲: ۳۶۹.
۲. علمای امامیه در تأیید آموزه مهدویت در تشیع، عمدتاً به این گروه نظر داشته و از آنان به عنوان موافق نام برده‌اند. به عنوان نمونه میرزا حسین نوری در کتاب «کشف الاستار عن وجه الغایب عن الابصار» از این عده نام می‌برد. ر.ک: کشف الابصار: ۲۰-۸۶.
۳. «المهدی من ولدی، اسمه اسمی، و کنیته کنیتی، أشبه الناس بی خُلُقاً و خُلُقاً، تَكونُ به غیبه و حیره تضلُّ فیهِ الأُمَم.....». ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱: ۲۸۶.

فرصت را در یادآوری این نکته مغتنم می‌شمرم که اهتمام کلان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به آموزه مهدویت، سبب باورداشت این آموزه به مثابه اصلی مسلم در اسلام گشت. اگرچه در میان قدامی اهل سنت ابن خلدون و در میان متأخرین، محمد رشید رضا در تفسیر «المنار» و احمد امین مصری در «ضحی الاسلام» با استناد به چند ادعای کلی که آن‌ها را مستدل نساخته و تنها در حد ادعا باقی گذارده‌اند؛ در آموزه مهدویت تشکیک کرده‌اند.^۲ «تعارض روایات مهدویت» (رشید رضا، بی تا، ج ۹: ۴۹۹)؛ «عدم ذکر روایات مهدوی در کتاب بخاری و مسلم» (اکبرنژاد، ۱۳۸۶: ۳۰۷)؛ «تبعات منفی مهدی باوری در تاریخ اسلام» (همان: ۵۰۰)؛ «بنیان شیعی تفکر مهدویت» (احمد امین، ۱۹۹۹، ج ۳: ۲۴۱) و «خرافی بودن مهدویت» (همان: ۲۴۳)؛ از مهم‌ترین نکاتی است که رشیدرضا و احمد امین در رد آموزه مهدویت به آن‌ها استدلال می‌کنند.^۳ نکته

۱. بیش تر مطالبی که رشید رضا پیرامون امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دارد، در تفسیر المنار جلد‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ و در ذیل آیات ۱۵۷ سوره نساء، ۱۸۷ اعراف و ۳۳ توبه است. احمد امین نیز در ضحی الاسلام فصلی را اختصاص داده با عنوان «عقیده المهدی عندهم (شیعه)» که با تحلیلی بی پایه به نقد مهدویت می‌پردازد. وی کتاب مستقل دیگری در این زمینه دارد با عنوان «المهدی و المهدویه».

۲. اینان از معروف‌ترین منکران مهدویت می‌باشند. در این جهت «محمد محیی الدین عبدالحمید» احادیث مهدویت را از اسرائیلیات می‌پندارد. «سعد محمد حسن» در کتاب «المهدیه فی الاسلام»، آن‌ها را ساخته شیعیان می‌داند. «عذاب محمود الحمش» در کتاب المهدی المنتظر فی روایات اهل السنه و الشیعه درسه حدیثیه نقدیه و «محمد فرید وجدی» در دایرة المعارف «القرن العشرين» تمامی روایات مهدوی را ضعیف السند و مجعول می‌دانند. برای مطالعه بیش تر ر.ک: مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت: ۳۰۷.

۳. در میان اهل سنت عبدالمحسن بن حمد العباد با نگارش کتاب «الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحه الوارده فی المهدی» در صدد پاسخ‌گویی به منکران مهدویت بوده است. این کتاب با عنوان «مصلح جهانی» توسط سیدهادی خسروشاهی ترجمه شده است. پاسخ مبسوط در نقد این دلایل را می‌توان در این کتاب جست‌وجو کرد.

حائز اهمیت در پاسخ این عده، اعتراف انبوهی از دانشمندان حدیث‌پژوه اهل سنت است که به حجیت، بلکه تواتر احادیث مهدویت اعتراف دارند.^۱ به هر جهت، خدشه در روایات مهدوی در ترازوی تحقیق امروزی مقبول نمی‌افتد و چنان وزنی نمی‌آرد.

از سوی دیگر، تعیین و تشخیص مهدی عجل الله تعالی فرجه له در اسلام خط بطلانی است بر طرح این قضیه با مشرب‌های صوفیانه که با عنوان «مهدویت نوعیه» مطرح گردیده است. بر اساس این نگرش و تفکر صوفیانه، مهدویت مفهوم و عنوانی است که مصادیق متعددی دارد. برای نمونه آنچه از ظاهر برخی ابیات مولوی در باب مهدویت بر می‌آید،^۲ این است که ولی هر زمانه پیشوای زنده‌ای است که می‌تواند از نسل علی یا عمر یا از اقوام و ملل دیگر باشد و منظور از «مهدی» و «هادی» نیز، شخصی است دارای صفت هدایت‌شدگی و هدایتگری، که به عنوان دو صفت عام‌اند؛ نه به صورت لقب خاص؛^۳ یعنی قطب و ولی هر زمانه‌ای، از جانب حق، هدایت یافته، و خود هدایت‌کننده دیگران است (زمانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۲۹).

۴. حتمی بودن تحقق حکومت مهدوی

افزون بر این، یکی دیگر از شاخصه‌های آموزه مهدویت از دیدگاه اندیشه نبوی، «حتمیت»

۱. مهدی اکبرنژاد در کتاب بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت نام بیست تن از حدیث‌پژوهان سنی را با متن عبارت آن‌ها درباره حجیت این روایات به دست می‌دهد. و سپس از سیزده تن از دانشمندان و حدیث‌شناسان سنی نام می‌برد که به تواتر احادیث مهدویت باور دارند. ر.ک: مهدی اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت: ۷۱-۷۵.

۲. پس به هر دوری ولی‌ای قائم است تا قیامت آزمایش دائم است/ هر که را خوی نکو باشد برست هر کسی کاو شیشه دل باشد شکست/ پس امام حی قائم آن ولی است خواه از نسل عمر خواه از نسل علی‌ست/ مهدی و هادی وی است ای راه جو هم نهان و هم نشسته پیش‌رو/ ر.ک: جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی و معنوی، دفتر دوم: ۲۱۳.

۳. علامه محمدتقی جعفری معتقد است که ابیات ذکر شده از مولوی گویای اعتقاد وی به ولایت نوعیه است. ر.ک: جعفری، تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، ج ۳: ۴۰۶.

آن است. از دیدگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این وعده قطعی خداوند متعال به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد. این بشارتی قطعی است که می‌تواند باعث تسکین خاطر بشر و زنده شدن امید به آینده پرافتخار شود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در تبیین حتمیت تحقق این وعده تأکید می‌کردند که اگر از عمر دنیا^۱ یا روزگار^۲ یک روز باقی بماند، خدای متعال آن روز را آن قدر طولانی می‌گرداند تا مهدی عَجَلُ الْوَجْهِ ظهور کند. در برخی دیگر از روایات، حضرت تأکید می‌کنند که دنیا تمام نمی‌شود،^۳ و یا قیامت بر پا نمی‌شود،^۴ مگر این که مهدی ظهور کند.

ویژگی‌شناسی بیان و بلاغ اندیشه مهدویت در سیره نبوی

برای آن که آموزه مهدویت را از دیدگاه اندیشه نبوی روشن سازیم، بایسته است ویژگی‌های بیان و بلاغ اندیشه مهدویت را در سیره نبوی بدرستی بشناسیم؛ چرا که آگاهی از این مبانی، وقوف بر آن، به فهم دقیق این مسئله، کمک فراوانی می‌کند. از این رو، در قسمت پایانی این نوشتار کوشیده می‌شود این مسائل بیان شود که مهم‌ترین آن عبارتند از:

۱. محاسبه مبتنی بر تکلیف‌محوری

یکی از ویژگی‌های اساسی تبیین اندیشه مهدویت در سیره نبوی، اصل «تکلیف‌محوری» است. لذا در چنین نظام معرفت‌شناسانه‌ای، سعی می‌شود زمینه محاسباتی جدیدی خلق شود که هدایت جامعه در این زمینه صورت پذیرد. بنابر چنین اصلی، سطح معرفتی پیروان در حوزه معارف مهدوی ارتقا و توسع داده می‌شود. در حقیقت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در جهت هدایت امت اسلامی و تبیین امر امامت به طرح اندیشه مهدویت اقدام کردند.

جایگاه گسترده و آشکار روایات «اثنی عشر» و معرفی مهدی موعود عَجَلُ الْوَجْهِ در ضمن این

۱. «لو لم يبق من الدنيا ألا يومٌ واحد...». ر.ک: طوسی، الغیبه: ۱۱۲.

۲. «لو لم يبق من الدهر ألا يوم...». ر.ک: اربلی، کشف الغمّه، ج ۳: ۲۲۷.

۳. «لا تذهب الدنيا...». ر.ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر: ۲۹.

۴. «لا تقوم الساعة...». ر.ک: طوسی، الغیبه: ۲۷۲.

دوازده نفر و نیز تبارشناسی دقیق مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در اندیشه نبوی، نمونه‌ای از محاسبه مبتنی بر تکلیف‌محوری از سوی پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم است. در حقیقت، در این شیوه بر بیان جنبه‌هایی از معارف مهدوی تکیه می‌شود که راه را بر مدعیان دروغین مهدویت تنگ می‌کند. بر این اساس، نگاه تیزبین به وقایع پیش‌رو، و پیش‌بینی روند اقدامات مدعیان دروغین مهدویت و تشخیص ظرفیت‌های باورداشت مهدویت از الزامات برگرفته از این رویکرد پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم است.

۴. رویکرد فرصت‌محور در تبیین اندیشه مهدویت

پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم از هر فرصت یا موقعیت مطلوبی برای تبیین هرچه بهتر آموزه مهدویت استفاده می‌کردند. این رویکرد، از یک سو با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بی‌شمار آموزه مهدویت دارای تناظر خاصی است و از سویی دیگر بر توانایی‌های ممتاز پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم مبتنی است و در صورت احصای چنین وضعیتی، بایستی با حداکثر استفاده از هر فرصت ممتازی، برای تبیین معارف مهدویت استفاده کرد. به این ترتیب، «فرصت‌محوری» با اصل «توانایی و تحقق اهداف از پیش تعیین شده و کلان» ارتباط بسیار نزدیکی دارد. مبتنی بر چنین رویکردی است که امامان معصوم علیهم‌السلام نیز در موقعیت‌های گوناگون و در زمان‌های خاص به تبیین اندیشه مهدویت می‌پرداختند.

شاید بتوان تبیین اندیشه مهدویت و بیان خصوصیات و ویژگی‌های مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه را در خطبه غدیر از نمونه‌های بارز استفاده از بهترین فرصت‌ها در تبیین اندیشه مهدویت از سوی پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم دانست. در این خطبه، رشته‌الاهی امامت و ولایت در آغاز، امیرالمؤمنین علیه‌السلام و در انجام، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه می‌باشد و از او به عنوان انتقام‌گیرنده از ظالمان، فتح‌کننده دژهای مستحکم شرک و فساد، یاری دهنده دین خدای عزیز و... نام برده می‌شود.^۱

۱. «ألا إنه الظاهر على الدين، ألا إنه المنتقم على الظالمين، ألا إنه فاتح الحصون و هادمها و...» در خطبه غدیر ۲۱ ویژگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بیان می‌شود.

۵. تأکید بر نقاط مهم و راهبردی در تبیین آموزه مهدویت

از آنجا که بیان همه جزئیات در آموزه مهدویت ممکن نیست و چنین کاری ضرورتی هم ندارد؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ توجه خود را بر نقاط حساس و راهبردی در تبیین اندیشه مهدویت معطوف کردند. منظور از «نقاط راهبردی و حساس»، نقاطی است که انحراف و اشتباه در آن‌ها موجب صدمات سنگینی می‌شود و بیان آن‌ها موجب کارایی بیش‌تر می‌گردد. البته پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ افزون بر ورود به مباحثی که به مبانی اصلی اندیشه مهدویت مرتبط بود؛ در شناسایی، استخراج و رصد موضوعات مهدوی، به نحوی اقدام می‌کردند که اعلام نظر در آن زمینه و تحقق یک ممیزه فکری، به گونه‌ای با مقاصد اصلی اندیشه مهدویت مرتبط باشد و از ورود به مباحثی که نتیجه عینی و عملی مشخص نداشت؛ پرهیز می‌کردند.

به نظر می‌رسد با این دیدگاه، بایستی در انبوه روایات نسبت داده شده به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد حوادث آخرالزمان با رویکردی نقادی نگریست. قابل ذکر است که در چاپ هشت جلدی «معجم احادیث المهدی»، ۵۶۳ روایت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در موضوع مهدویت استقرا شده است که بخش قابل توجهی از این روایات در زمینه حوادث آخرالزمان است. نکته قابل تأمل این که بسیاری از روایات علائم ظهور، سندی متصل به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ندارد. گردآورندگان «معجم احادیث الامام المهدی» نیز با عبارت «لم یسند الی النبی» به این حقیقت اشاره کرده‌اند. این روایات حدود ۱۳۰ عدد می‌باشد. این گونه به نظر می‌رسد که از زمان پیامبر، اجمالاً پیشگویی‌هایی دربارهٔ حوادث آینده و ظهور مهدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صورت گرفته است؛ ولی این روایات طی چند صد سال به تحریف دچار شده و با انگیزه‌های فراوانی، مطالبی بر آن‌ها افزوده شده است.^۱ به عنوان نمونه، نعیم بن حماد (۲۲۸هـ ق) در باب‌های ۲۹-۴۴ کتاب

۱. گفتنی است گاهی اوقات آمارهای غیر واقعی از روایات مهدوی ارائه می‌شود. برای نمونه محقق کتاب کنز الفوائد در پاورقی تعداد روایات مهدوی را شش هزار روایت می‌داند. که به نظر می‌رسد که با احتساب تقطیع روایات و ارجاع بخش‌ها به عنوان‌ها، این آمار گرفته شده است. ر.ک: کنز الفوائد، ج ۱: ۲۴۶.

«الفتن»^۱ که در خصوص مهدی عجل الله تعالی فرجه له و سفیانی است، حدود ۱۷۰ روایت نقل می‌کند که حدود ۲۵ روایت به معصوم می‌رسد و دیگر اسناد کتاب به افرادی چون سعید بن سنان، کعب الاحبار، زهری و ارطاه بن منذر ختم می‌شود. این گونه‌سندها از نظر اهل سنت موقوف می‌باشد؛ یعنی حجت نمی‌باشد؛ زیرا سند آن به صحابی متوقف است (نعیم بن حماد، ۱۴۱۴: ۱۸۶-۲۰۵).

عبدالعظیم بستوی در کتاب «المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه و الضعیفه»، کوشیده است با استناد و استشهاد از منابع رجالی و حدیث‌شناسی، حدیث‌های صحیح یا حسن را در عرصه مهدویت معرفی کند که در مجموع ۴۶ حدیث را با این ویژگی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جلد اول این کتاب گردآوری کرده است.

بنابراین، لازم است لااقل در موضوع علائم ظهور، با روشی علمی، آنچه احتمالاً به نفع اشخاص یا گروه‌هایی جعل یا تحریف شده است، از آنچه واقعی است، بازشناخته و تفکیک شود. همچنین لازم است «علائم ظهور» را از «اشراف الساعه» تفکیک کنیم.

۶. نمادپردازی در تبیین اندیشه امامت و مهدویت

چنانچه مفاهیم عالی به صورت ساده و قابل فهم برای عموم بیان نشود، غالباً از سوی مردم دریافت نمی‌شود و این پیام‌ها با همه حساسیت‌شان در جامعه متروک می‌مانند و مخاطبی نمی‌یابند. یکی از مهم‌ترین روشی که در سیره نبوی نمود آشکار دارد، به کارگیری

۱. منابع اهل سنت احادیث مهدویت را با نشانه‌های برپایی قیامت به هم آمیخته‌اند. از این رو، کتاب‌هایی با عنوان «اشراف الساعه» یا علامات القیامه نوشته‌اند و روایات مربوط را در آن‌ها ذکر کرده‌اند. از سویی دیگر آنان کتاب‌هایی با عنوان فتن یا ملاحم یا ترکیبی از آن دو نوشته و این احادیث را در آن‌ها آورده‌اند. کتاب‌های ملاحم و فتن به پیشگویی‌هایی اختصاص دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و صحابه درباره حوادث تلخ و شیرین آینده مسلمانان بیان کرده‌اند. در منابع روایی اهل سنت چنین عنوانی وجود دارد و روایات مربوط به ظهور و علائم را می‌توان در آن یافت. «الفتن» نعیم بن حماد (م ۲۲۸ق) قدیمی‌ترین و مهم‌ترین کتابی است که از مهدی عجل الله تعالی فرجه له سخن به میان آورده است. در بسیاری از این کتاب‌ها مباحث مربوط به مهدویت، از آن جهت که یکی از رویدادهای آخرالزمان و قیامت است، ذکر می‌شود.

«نماد» و «تمثیل» است. نمادها و تمثیلات به کار گرفته شده در سیره تبلیغی رسول خدا ﷺ در عین سادگی، درک واقعی آنها به تدبّر و تفکر بسیار نیازمند است و طبیعی است با تأمل دقیق در همین امثال و نمادها می‌توان تصویری بسیار پیچیده از رسالت نبوی به دست آورد که بر ابعاد نهفته و مستور نمادها مبتنی است.

برای نمونه، پیامبر اکرم ﷺ برای آن که در ذهن و قلب مردم تعداد امامان دوازده‌گانه جای بگیرد و به نسل‌های بعدی منتقل شود و مانع از انحراف آنها گردد؛ از مثال‌هایی قریب به ذهن سود می‌جوید و می‌فرماید: عدد اوصیا و نقبای من «عدد بروج و شهور سنه»، «به عدد حواری عیسی» (خزاقمی، ۱۴۰۱: ۱۸)؛ «به عدد اسباط موسی» (همان) و «به عدد نقباء بنی اسرائیل» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۸) است. با نگاهی به تاریخ فرق اسلامی در می‌یابیم که غیر از شیعه امامی، وجه مشترک اکثر آنان این بوده است که به روایاتی که بیان‌کننده «عدد ائمه» است؛ توجه نکرده‌اند. به رغم آن که پیامبر اکرم ﷺ تأکید بسیاری بر «اثنی عشر» دارند؛ این فرقه‌ها یا اثنی عشر را ناقص کرده و در عددی کم‌تر از آن توافق کرده‌اند و یا حریم اثنی عشر را رعایت نکرده و از آن فراتر رفته‌اند.^۱

نتیجه

با اندیشه در آنچه گذشت، به ویژه با پرسشی‌هایی که در پیوند با هر یک، ذهن را درگیر

۱. کیسانیه، مخیریه، حسنیه، فطحیه، ناووسیه، واقفیه، اسماعیلیه خالصه، باقریه از دسته اول و برخی از اسماعیلیه و زیدیه از دسته دوم هستند. در این زمینه ر.ک: نوبختی، فرق الشیعه: ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۰؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱: ۲۱۸، ۲۲۰. غلامحسین زینلی در کتاب «دوازده جانشین» با عنوان فرعی «پژوهشی در باب احادیث اثنی عشر» به تفصیل به توجیهاات اهل سنت، به این روایات اشاره می‌کند. او توجیهاات اهل سنت را به سه گونه توجیه‌های چاره‌اندیشانه، ترتیبی و گزینشی می‌داند و مهم‌ترین نقدهای وارد بر این توجیهاات را «منطبق نبودن با ویژگی امامان در احادیث»، «نداشتن دلیل»، «نداشتن شرایط خلافت» و «عدم وحدت رویه» می‌داند. برای مطالعه بیش‌تر ر.ک: غلامحسین زینلی، دوازده جانشین، ص ۴۵.

می‌کند، به مهم‌ترین نتایج به دست آمده از بحث اشاره می‌کنم:

۱. چون آموزه مهدویت را با سنت نبوی محک بزنیم؛ در می‌یابیم، آموزه مهدویت در اندیشه نبوی با «امامت» گره خورده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ این مهم را به گونه‌های مختلف بیان کرده‌اند. طبیعی است هر تفسیری از اندیشه مهدویت که با مقام امامت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در تعارض باشد، در حقیقت نفی اندیشه نبوی است. به هر رو، فهم جوهر مهدویت به تفسیر و شرح مفهوم امامت نیازمند است؛ چنان‌که پیش‌تر گذشت اقتدای عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در این جهت قابل فهم است.

۲. نگاه فراتاریخی و به عبارتی دیگر، رویکرد فلسفه تاریخی به اندیشه نجات‌گرایانه مهدویت، از بن‌مایه‌های فکری اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در تحلیل آموزه مهدویت است.

۳. بن‌مایه اندیشه مهدویت در دورنمای اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، به گونه‌ای تبیین و تفسیر می‌شود که در کذب منکران این اندیشه با خصوصیات زیر جای تردید باقی نمی‌ماند: منکران اصل وجود اندیشه مهدویت در اسلام؛ منکران تبار فاطمی مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام؛ مخالفان زنده‌بودن حضرت؛ منکران امامت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام؛ منکران مهدویت شخصی (قائلین به مهدویت نوعی)؛ منکران رسالت جمعی مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام در امت اسلامی؛ منکران جهان‌شمول بودن اندیشه مهدویت.

همچنین اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در تبیین آموزه مهدویت خط بطلانی بر تمامی مدعیان دروغین مهدویت در گستره تاریخ اسلامی است.

۴. واپسین نکته این‌که مبانی و شاخصه‌های آموزه مهدویت از دیدگاه اندیشه نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که می‌تواند شکل دهنده مطالعات جدیدی گردد. از این رو، به جای تمرکز بر روایات ضعیف‌السند در زمینه حوادث و علائم آخرالزمان امید است با پژوهش‌های مؤثر و عمیق‌تر بتوان جوهر مهدویت را از دیدگاه اندیشه نبوی بازشناخت.

منابع

۱. ابن فارس، أبو الحسين أحمد بن فارس (۲۰۰۱م). *مُعْجَمُ مَقَائِيسِ اللُّغَةِ*، بيروت، دار إحياء التراث العربی.
۲. ابن بابویه قمی، علی بن الحسين (۱۴۰۴ه.ق). *الامامه و التبصره من الحیره*، قم، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي عليه السلام.
۳. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۷ق). *مسند الامام احمد بن حنبل*، بيروت، الرساله.
۴. ابن ماجه، محمد بن يزيد (۱۴۱۹ه.ق). *سنن ابن ماجه*، تحقيق حسن نصار، بيروت، دارالكتب العلميه.
۵. احمد امين (۱۹۹۹م). *ضحى الاسلام*، مصر، مكتبة الاسره.
۶. اربلي، علی بن عيسى (۱۴۲۱ ه.ق). *كشف الغمّه*، قم، انتشارات الشریف الرضی.
۷. اكبر نژاد، مهدي (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت*، قم: بوستان کتاب.
۸. ایجی، عبدالرحمن (۱۴۲۵ ه.ق). *المواقف*، تصحیح محمد بدرالدین النعسانی الحلبي، مصر، ۱۴۲۵ق.
۹. بستوی، عبدالعلیم (۱۴۲۰ ه.ق). *المهدی المنتظر عليه السلام فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه*، بیروت، دار ابن حزم.
۱۰. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۰). *تفسیر و تقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد بلخی*، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق). *تاج اللغة*، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۲. حموی، ابراهیم بن محمد المؤید (۱۴۰۰ ه.ق). *فرائد السمطین*، بیروت، مؤسسه المحمود.
۱۳. حلّی، ابومنصور حسن بن یوسف (۱۴۱۷ ه.ق). *كشف المراد*، تحقیق علامه حسن زاده آملی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ ه.ق). *کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر*، قم، بیدار.
۱۵. راشد محصل، محمد تقی (۱۳۸۱). *نجات بخشی در ادیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۳۲). *المفردات*، تهران، مرتضوی.
۱۷. رشید رضا، محمد (بی تا). *المنار*، بیروت، دارالفکر.
۱۸. الزبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
۱۹. زمانی، کریم (۱۳۸۲). *شرح جامع مثنوی معنوی*، تهران، انتشارات اطلاعات.
۲۰. زینلی، غلامحسین (۱۳۸۶). *دوازده جانشین؛ پژوهشی در باب احادیث «خلفای اثنی عشر»*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. شهرستانی، محمد (بی جا). *الملل و النحل*، تحقیق محمد سعید کیلانی، بیروت، بی نا.

۲۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). *الغیبه*، قم، انتشارات مسجد جمکران.
۲۳. صافی گلپایگانی (۱۴۲۲ ه. ق.). *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر*، قم، سلمان فارسی.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ ه. ق.). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه.
۲۵. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی (۱۴۲۶ ه. ق.). *علل الشرایع*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. طریحی، فخرالدین (۱۹۸۵ م.). *مجمع البحرین*، بیروت، مکتبه الهلال.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ه. ق.). *الغیبه*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۸. عباد، عبدالمحسن و مودودی، ابوالاعلی (۱۳۸۶). *مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، ترجمه و تحقیق سید هادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۲۹. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ ه. ق.). *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. فقیه ایمانی، مهدی (۱۴۱۸ ه. ق.). *الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه*، قم، المجمع العالمی لاهل البيت.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الکافی*، تهران، نور.
۳۲. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۷۵). *مکتب در فرآیند تکامل*، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
۳۳. مسلم، مسلم بن الحجاج (۱۴۱۶ ه. ق.). *صحیح مسلم*، بیروت، دار ابن الحزم للطباعه و النشر.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). *قیام و انقلاب مهدی*، تهران، صدرا.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه. ق.). *أوائل المقالات*، بی جا، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
۳۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه. ق.). *الإرشاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۷. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۴۱۶ ه. ق.). *عقد الدرر فی اخبار المنتظر*، قم، انتشارات نصایح.
۳۸. موحدیان عطار، علی (۱۳۸۸). *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۳۹. نباطی بیاضی، علی بن یونس (۱۳۸۴). *الصراف المستقیم الی مستحق التقدیم*، نجف، کتابخانه حیدریه.
۴۰. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ه. ق.). *الغیبه*، قم، منشورات انوار الهدی.
۴۱. نعیم بن حماد، ابو عبدالله مروزی (۱۴۱۴ ه. ق.). *الفتن*، تحقیق سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر.
۴۲. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۶۸). *فرق الشیعه*، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ه. ق.). *کشف الاستار عن وجه الغایب عن الابصار*، بیروت، منشورات مؤسسه النور للمطبوعات.